

«از تاسیس اولین شبکه ارتباطات رادیویی و
دات بوستان با هزینه شخصی

ت سبز

علاقه‌آو به خدمت عملی به مردم حتی پس از بازنشستگی، مهم‌ترین دلیل بود تا در یک نیم‌روز پاییزی میهمان خانه‌اش در مجتمع مسکونی امید، در خیابان آزاده باشیم؛ علاقه‌ای که سبب شده او بوستانی را به مساحت ۲ هزار و ۶۰۰ مترمربع در مجتمع مسکونی هزار نفری امید احداث کند و برای برپایی آن، ۱۱۰ میلیون تومان حق سنواتش را هزینه کند؛ کاری که اسفند سال گذشته آغاز شده و اواسط شهریور امسال، همزمان با عید غدیر، با حضور مسئولان شهری و شهردار منطقه به پایان رسیده است.

راه اندازی ۵۳ لینک

کارم وقت می گذاشتم. شب و روز هم نداشتم. ۱۴ سال حتی یک روز هم به مرخصی نرفتم. اولویت، کارم بود که باید درست انجام می شد، چون آن زمان وضعیت ارتباطات که حرف اول را در هر میدانی می زد، مثل امروز نبود، پس به تخصص من خیلی نیاز داشتند. سال های زیادی ذهنم مشغول بود تا کاری زیربنایی برای ارتباطات بحران شهر انجام بدهم. می خواستم همه مراکز ارتباطی ما، در هنگام بحران های طبیعی و غیرطبیعی، تحت کنترل یک واحد ارتباطی باشند. بهترین مکان روی کوه های خلیج بود. مشاور گفته بود که این کار، شدنی نیست و اگر شدنی شود، حداقل سه سال زمان می برد، بنابراین به حرم امام هشتم (ع) مشرف شدم. سرم را روی زمین سرد حرم گذاشتم و این جمله را به امام رضا (ع) گفتم که می خواهم شهر را نجات بدهم، کمک کن. شاید باورتان نشود که در آن مسیر صعب العبور و با صخره های سنگی با ۴۷ نیرو، طی ۱۲۰ روز پروژه را تحویل دادم. هیچ کسی باورش نمی شد در این زمان کم، ما مسیر را آسفالت کرده و ساختمان مجهزی ساخته باشیم که تمام مراکز ارتباطی شهر را در اختیار دارد و رصد می کند. روز افتتاح هم شهردار وقت، احمد نوروزی، و اعضای شورای شهر و فرمانده سپاه وقت و بسیاری از مقامات عالی رتبه حضور داشتند.»

تا سال ۸۶ هر کاری می خواست در شهرداری انجام شود، دستی انجام می شد؛ یعنی برخی مردم که گره کارشان در یکی از نواحی و مناطق شهرداری بود، کلافه و سرگردان بودند، چون پرونده ها با کلی مصیبت و کاغذبازی از ناحیه به منطقه فرستاده می شد. نهایی بایان این موضوع می گوید: «سرگردانی و کلافگی مردم و مراجعات متعدد آنان، من را به این فکر انداخته بود که چطور می توانم این مسیر را کوتاه کنم. ایده راه اندازی لینک مخابراتی به ذهنم خطور کرد و با توجه به وجود ۵۳ ناحیه، در آن زمان ۵۳ لینک راه انداختم. ۱۷ شبانه روز در زمستان سرد ۸۶، کابل کشی را انجام دادم و سیستم و دکل را مستقر کردم. سیستم مخابراتی با ۸۶ میلیون تومان راه افتاد و از آن به بعد پرونده ها از طریق سیستم مخابراتی برای مناطق فرستاده می شد.»

از کشتی گیری تا دآوری بین المللی

برمی گردد به دوران نوجوانی و از علاقه اش به کشتی برایمان حرف می زند. ورودش به مجموعه شهرداری نیز، به بهانه کشتی بوده است. قدیمی ها و پیش کسوت های کشتی خوب یادشان هست که در دهه های ۴۰ و ۵۰ و حتی بعد آن، کشتی شهرداری حرفی برای گفتن داشت و ۵، ۶ کشتی گیر تیم شهرداری، عضو تیم ملی بودند. همین نام پرآوازه باعث شد تا نوجوان سیزده ساله محله ما، سودای پیوستن به این مجموعه را در سر بپروراند؛ «پدر و برادرم از کشتی گیرهای قدیمی بودند و خون کشتی در رگ های من هم جاری بود. در کشتی آزاد، سه دوره قهرمان استان شدم. کاپ سرلشکر اعظم، مسابقات معتبری بود که در آن، مقام دوم را آن خودم کردم. سال ها مشق کشتی کردم و بعد از دوده، لباس مربیگری به تن کردم. در کشتی یک دست و یک پایم قوی بود. برای اینکه بدنم ورزیده شود، از کوه خلیج تا طرچه می دویدم. دوره های آموزشی وارد هم هر جا برگزار می شد، اولین نفری بودم که حاضر می شدم. بعد هم که داور بین المللی در جه یک کشتی شدم.»

برپایی ۸ دیگ شله به نیت امام هشتم (ع)

احمد نهایی فقط در کار و ورزش، جنب و جوش و فعالیت ندارد. اوبخشی از عمر خود را به دغدغه های مذهبی اش اختصاص داده است که این دغدغه ها هنوز هم برایش اولویت دارد؛ «هر سال در روز عاشورا در حیاط مجتمع، مراسم برگزار می کنم و برای این برنامه، دعوت رسمی هم نداریم. ۶۰ تخته فرش یک شکل، کرایه و در گوشه ای از حیاط مجتمع پهن می کنم. هشت دیگ شله نیز به نیت امام هشتم (ع) در پشت پارکینگ برپا می کنم. مراسم عزاداری مادر جموع، نیم ساعت طول می کشد تا مردم خسته نشوند؛ مثلاً ۵ دقیقه مرثیه سرائی و ۵ دقیقه سخنرانی و ۱۰ دقیقه سینه زنی و... بعد هم سفره را پهن می کنیم و حدود ۴ هزار نفر اطعام می شوند. سال گذشته در شب عاشورا شبیه خوانی نیز داشتیم و قسمت هایی از صحنه واقعه عاشورا را شبیه سازی کردیم.»

برگزاری مراسم مناسبتی از سوی احمد نهایی به شب و روز عاشورا ختم نمی شود. او به بهانه های مختلف این کار را سراغ اینگونه مراسم می رود؛ «برای جشن شب عید غدیر، صندلی کرایه و تلاش می کنم تا مراسم در خوری برای این عید بزرگ، برگزار کنم.»

سرگردانی و
کلافگی مردم و
مراجعات متعدد
آنان، من را به
این فکر انداخته
بود که چطور
می توانم این مسیر
را کوتاه کنم. ایده
راه اندازی لینک
مخابراتی به ذهنم
خطور کرد و
با توجه به وجود
۵۳ ناحیه، در آن
زمان ۵۳ لینک
راه انداختم



احمد نهایی هر سال در روز عاشورا هشت دیگ شله به نیت امام هشتم برپا می کند

۴۸ ساعت در جزیره مجنون به محاصره درآمدیم که بالاخره نیروهای پشتیبانی از راه رسیدند و خطر را آزاد کردند و از محاصره درآمدیم». او فراموش نمی کند که از صبوری های همسرش نیز برایمان بگوید و از فرزندان که نبودن هایش را تحمل کرده و خود ساخته و مستقل تربیت شده اند؛ «۴۴ سال پیش ازدواج کردم. همسر من خیلی صبور و فداکار است. من بیشتر اوقات به خاطر شرایط کاری، در منزل نبودم. او جور بچه ها را می کشید و هیچ وقت هم اعتراض و گلایه ای نکرد. این همراهی اش موجب شد که من بتوانم با خیال راحت، به صورت شبانه روزی کار کنم و خسته نشوم. یادم نمی رود یک بار عروسی یکی از اقوام نزدیکمان بود. در نیمه راه رفتن به مراسم بودیم که از اداره تماس گرفتند و گفتند کاری فوری پیش آمده. آن ها را بین راه پیاده کردم و به اداره رفتم و هیچ اعتراضی هم به این رفتارم نکردند.»